

پاتریک گاردینر

پنج سار

ترجمہ ی رضا وادی



نشر مرکز

Schopenhauer
Patrick Gardiner

شوپنهاور

پاتریک گاردینر

ترجمه: رضا ولی‌یاری

برپایش: نشر مرکز

نوع: فلسفه حقیقی

چاپ اول ۱۳۹۳، شماره‌ی نشر ۱۱۱، ۱۶۰۰ نسخه، چاپ نیکاچاپ

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۲۰۴

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل ایران بایطاهر، شماره‌ی ۸

تلفن: ۸۸۹۷۰۴۶۲-۳ فاکس: ۸۸۹۷۰۱۶۰-۳

ایمیل: info@nashr-c-markaz.com

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر مرکز محفوظ است. هر گونه کپی‌برداری بدون مجوز، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و بخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از نشر مرکز محسوب می‌گردد. این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» قرار دارد.

سرشناسه: گاردینر، پاتریک ال.، ۱۹۲۲-م. Gardiner, Patrick L.

عنوان و نام پدیدآور: شوپنهاور / پاتریک گاردینر؛ ترجمه رضا ولی‌یاری
مشخصات ظاهری: هشت، ۳۰۴ ص.

یادداشت: عنوان اصلی: Schopenhauer - کتابخانه - نمایه

موضوع: شوپنهاور. آرتور. ۱۷۸۸-۱۸۶۰م. Schopenhauer, Arthur

شناسه‌ی افزوده: ولی‌یاری، رضا، ۱۳۶۱-م. مترجم

ردیابی کنگره: ۱۳۹۳ ش ۲ گ / B ۳۱۳۸

ردیابی دیویی: ۱۹۳

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۴۴۴۳۴

فهرست

۱	یادداشت مترجم
۳	یادداشت ویراستار انگلیسی
۴	مقدمه‌ی نویسنده
۷	فصل اول زتدگی و مقدمه
۲۸	فصل دوم امکان متافیزیک
۶۲	فصل سوم شتاخت و اندیشه
۱۲۰	فصل چهارم ذات جهان
۱۸۱	فصل پنجم ماهیت هنر
۲۰۰	فصل ششم اخلاق و اراده‌ی فردی
۲۸۱	فصل هفتم امر اسرارآمیز
۲۹۹	نتیجه‌گیری
۳۰۳	نمایه

یادداشت مترجم

پاتریک گاردینر، فیلسوف انگلیسی، نویسنده‌ی چندان پرکاری نبود و عمده‌ی شهرت و اعتبارش به خاطر تحقیقاتش درباره‌ی شوپنهاور و کرکه‌گور است. شوپنهاور، شناخته‌شده‌ترین و تأثیرگذارترین کتاب گاردینر، در ۱۹۶۸ منتشر شد، یعنی زمانی که فلسفه‌ی شوپنهاور از مدت‌ها قبل جزو در ورطه‌ی فراموشی افتاده بود که در دنیای انگلیسی زبان دیگر کسی آثارش را نمی‌خواند و همه او را فیلسوفی درجه چنم تلقی می‌کردند. لذا از این جهت تقریباً می‌توان گفت که گاردینر نخستین کسی بود که در نیمه‌ی دوم قرن بیستم متوجه فلسفه‌ی شوپنهاور شد و با کتاب خود علاقه و توجه عمومی به شوپنهاور را مجدداً احیا کرد. و احتمالاً به همین دلیل است که برایان مگی کتاب **فلسفه‌ی شوپنهاور** خود را به او تقدیم می‌کند.

گاردینر طوری کتاب را نوشته که بعضاً ممکن است این تصور در ما ایجاد شود که کتاب بیش از آن که شرح فلسفه‌ی شوپنهاور باشد در اصل از آن نوشته شده. دلیل‌اش این است که او با وسواس و دقت بسیار زیادی در پی این است که متن دسته از ایرادات و انتقاداتی را که احتمالاً می‌توان به فلسفه‌ی شوپنهاور وارد کرد به بهترین ترتیب از آن سلب اعتبار کرد، برشمرد و به همه‌ی آن‌ها پاسخ گوید و در عین حال به نحوی این کار را انجام دهد که پاسخ‌های او انتقادات و ایرادات جدی‌تری را پیش نیاورند. به همین خاطر پرداختن او به این انتقادات و عمیق‌شدن‌اش در آن‌ها به این نحو باعث می‌شود فکر کنیم این‌ها ایراداتی هستند که گاردینر به فلسفه‌ی شوپنهاور وارد می‌دانسته در حالی که عمدتاً این‌طور نیست.

برای خواننده‌ی فارسی‌زبانی که با فلسفه‌ی شوپنهاور آشنایی دارد مطالعه‌ی این کتاب از این جهت سودمند خواهد بود که فهم او را از ابعاد و مفاهیم اصلی این فلسفه عمیق‌تر و شفاف‌تر می‌سازد و به او کمک می‌کند ارتباط میان بخش‌های مختلف آن را کاملاً درک کند و، آن‌طور که خود شوپنهاور می‌گوید، آن را به صورت یک کل انداموار ببیند و در عین حال به پاسخ سؤالاتی که شاید برای خود و هم پیش آمده باشند دست یابد. من شخصاً از ترجمه‌ی کتاب لذت بردم و مطمئن‌ام مطالعه‌ی آن نیز، به ویژه به خاطر لحن جناب گاردینر در نگارش آن، برای خواننده بسیار لذت‌بخش خواهد بود.

ترجمه‌ی فارسی کتاب را آقای حسن افشار ویرایش کرده‌اند که بسیار از ایشان متشکرم. آقای پویا استادپور نیز در ترجمه‌ی برخی عبارات فرانسوی یاری‌ام کردند که از ایشان هم متشکرم. تشکر دیگرم نیز از همکارانِ نشر مرکز است که زحمت زیادی کشیدند تا کتاب به سورتی که می‌بینید در اختیار خواننده قرار بگیرد.

یادداشت ویراستار انگلیسی

جناب پاتریک گاردینر با انجام پژوهشی انتقادی در فلسفه‌ی شوپنهاور هم به خواننده‌ی عمومی خدمات شایسته‌ای توجهی کرده هم به فلاسفه‌ی حرفه‌ای. در حالی که معدود فیلسوفانی هستند که نامشان شناخته شده‌تر از شوپنهاور است، اما مطالعه‌ی آثار او، دست‌کم در انگلستان، و سراسر جهان، غفلت واقع شده است. بی‌اعتمادی ریشه‌دار به متافیزیک او به این فرض غلط انجامید که سبب فلسفی مهمی وجود ندارد که بتوان از او آموخت. جناب گاردینر این برداشت سطحی را تصحیح می‌کند و نشان می‌دهد که حتی اغراق‌های شوپنهاور هم اغلب بر آراء از بینش‌های دقیق فلسفی هستند. مخصوصاً، ستایشگران ویتگنشتاین شکفتارده می‌دهند شد از این که ببینند اندیشه‌ی او تا چه پایه متأثر از اندیشه‌ی شوپنهاور بوده است. این است که پژوهش عمیق جناب گاردینر موجب احیای علاقه و توجه به فلسفه‌ی شوپنهاور شود.

پ. ی. آیر

مقدمه‌ی نویسنده

ویراسته‌ی نخستین مجموعه آثار شوپنهاور در ۱۸۷۳ و توسط متولی آثارش، یولیوس فراونشتاد، منتشر شد. پس از آن ویراست‌های اصلاح شده و تکمیل‌شده‌ای از ای. گرایزباخ (لایپزیگ، ۱۹۹۱)، یامار دوسن (مونخ، ۱۹۱۱ به بعد) و ای. هویشر (ویسبادن، ۱۹۴۶-۵۰) انتشار یافت، و این ویراست‌ها حاوی مطالب بیشتری بودند که شوپنهاور در نسخه‌های ویرایشی آثارش در دفعه‌های بعدی داشت‌های‌اش به جا گذاشته بود.

ترجمه از آثار شوپنهاور زیاده‌رسان گرفته است. از *Die Welt als Wille und Vorstellung* دو ترجمه‌ی انگلیسی هست:

The World as Will and Idea, by E. F. J. Haldane and J. Kemp (3 volumes, Routledge and Kegan Paul, London, 1883).

و

The World as Will and Representation, by E. F. J. Payne (2 volumes, Falcon's Wing Press, London, 1958).

از دیگر آثار شوپنهاور،

Ueber die einfache Wurzel des Satzes vom zureichenden Grunde (*On the Foundation of the Principle of Sufficient Reason*)

و

Ueber den Willen in der Natur (*On the Will in Nature*)

و در ۱۸۸۹ توسط خانم کی. هیلبراند ترجمه و در یک مجلد منتشر شدند؛

Ueber die Grundlange der Moral (*On the Foundation of Morality*)

در ۱۹۰۳ توسط ای. بی. بولاک ترجمه شد؛ و اخیراً هم ترجمه‌ای از رساله‌ی
Über die Freiheit des Willens (On the Freedom of the Will)

به همراه دیباچه و زندگینامه‌ی جالبی، توسط کی. کولندا (نیویورک، ۱۹۶۰) منتشر شده است. ترجمه‌هایی از تعدادی از مقالات موجود در متعلقات و ملحقات نیز در قالب

Selected Essays of Arthur Schopenhauer, by E. B. Bax (London, 188۱)

و
Schopenhauer: Essays, by T. Bailey Saunders (Allen & Unwin, London, 1951)

منتشر شده است. جدای از پژوهش‌های انتقادی سفت و سخت پدر کاپلستون، با عنوان آرتور شوپنهاور، فیلسوف بدنی (لندن، ۱۹۴۶)، تعداد کمی تفاسیر جدید و سودمند درباره‌ی شوپنهاور به انگلیسی وجود دارد، ولی بحث‌های جالبی درباره‌ی وجوه خاصی از افکار و تأثیر او اخیراً از آری که مستقیماً درباره‌ی او نیستند به چاپ رسیده است.

Philip Rieff's *Freud: The Mind of the Moralists* (London, 1959)

و
Erich Heller's *The Ironic German: A Study of Thomas Mann* (London, 1958).

از این جمله‌اند؛ در حالی که جنبه‌هایی از ارتباط شوپنهاور با تکامل فلسفی ویتگنشتاین در رساله‌ی ویتگنشتاین (لندن، ۱۹۶۰) نوشته‌ی لیکسنتیوس و در مقدمه‌ای بر رساله‌ی ویتگنشتاین (لندن، ۱۹۵۹) نوشته‌ی بانوجی ای. ا. آرنلست، مورد بررسی قرار گرفته است. زندگینامه‌های انگلیسی‌ای از ویلیام والاس (لندن، ۱۸۹۰) و هلن زیمرن (لندن، ۱۹۳۲) نیز منتشر شده، ولی زندگینامه‌ی آلمانی او نوشته‌ی ادا هیلر (لندن، ۱۹۳۷) جزئیات کامل‌تری را در اختیار خواننده می‌گذارد. ریچارد توماس مان درباره‌ی شوپنهاور، که ترجمه‌ی آن به عنوان دیباچه‌ی مجلد کتابخانه‌ی اندیشه‌های بدیع کسل (۱۹۳۹) آمده، نیز بسیار خواندنی است.

با این‌که ترجمه‌ی جدید ای. اف. جی. پین از جهان همچون اراده و تصور فوق‌العاده است، و از برخی جهات کار مترجمان قبلی را ارتقاء داده، ولی ترجمه‌ی

قدیمی‌تر هالدین و کمپ نیز قابل احترام است و در انگلستان همواره در دسترس خوانندگان خواهد بود. بنابراین، همه‌ی ارجاعات من درباره‌ی فلسفه‌ی شوپنهاور ارجاع به این ترجمه‌ی اخیراند، و با ذکر مجلد و صفحه آمده‌اند. مثلاً «دو، ص. ۴۳»؛ استفاده از این ترجمه را مدیون راتلج و کگان پاول هستم. ولی، من در همه‌ی موارد نسخه‌ی هالدین و کمپ را مآخذ قرار نداده‌ام و در جاهای لازم تغییرات یا اصلاحاتی به وجود آورده‌ام. در مورد *متعلقات و ملحقات*، همه‌ی ارجاعات به ویراست آلمانی دو جلدی فراونشتاد (ویراست ششم، ۱۸۸۸) است. در مورد دیگر آثار شوپنهاور نیز به جای ارجاع دادن به صفحه، بخش‌ها یا فصول آن‌ها را (که بیش از یک بخش دارند) ذکر کرده‌ام، و عناوین اختصاری کتاب‌ها نیز به ترتیب ذیل است:

On the Fourfold Root of the Principle of Sufficient Reason

در باب ریشه‌های چهارگانه اصل دلیل کافی

On the Will in Nature

ط

در باب اراده در طبیعت

On the Foundation of Morality

ب

در باب بنیان اخلاق

On the Freedom of the Will

آ

در باب آزادی اراده

در نقل قول از این کتاب‌ها از ترجمه‌های موجود استفاده کرده‌ام، ولی اغلب تغییراتی هم به وجود آورده‌ام.

متشکرم از راتلج و کگان پاول برای این که تصحیف کردند و اجازه دادند از جهان همچون اراده و ایده و رساله‌ی منطقی-فلسفی ویتگنشتاین نقل قول بیاورم؛ و متشکرم از بازیل بلکول که اجازه دادند از یادداشت‌های ۱۹۱۶-۱۹۱۷ ریتگنشتاین نقل قول بیاورم.

در پایان، می‌خواهم تشکر کنم از پروفیسور استوارت همپشایر بابت تصحیف و انتقادات سودمندشان، و ادای دینی کنم به جناب دیوید پیرس و ویراستار مجموعه، پروفیسور آیر، بابت پیشنهادات ارزشمندشان.

پ. گ.